

درآمدی بر تدوین شاخص ربا در بانکداری اسلامی*

محمدجواد محقق**

چکیده

امروزه ارزیابی عملکرد و یا مدیریت عملکرد در مجموعه‌ها و موسسات مالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ابداع شیوه‌های نوین ارزیابی عملکرد در موسسات مالی و اعتباری گواه این مدعا است. به کمک فرآیند ارزیابی عملکرد قادر خواهیم بود تا اطلاعات مفید و سودمندی در خصوص چگونگی انجام موثر امور در جهت اهداف تعیین شده به دست آوریم. بررسی مدل‌های ارزیابی عملکرد و نیز مطالعات صورت گرفته در این خصوص نشان می‌دهد که پیرامون «شاخص ارزیابی عملکرد نظام بانکداری اسلامی» تلاش شایسته‌ای صورت نگرفته است. از همین رو، نوشتار حاضر در پی پاسخ به این پرسش کلیدی، به روش توصیفی و تحلیل محتوا، با معرفی «شاخص ربا» گامی را در جهت تدوین «شاخص جامع بانکداری اسلامی» بر می‌دارد. فرضیه اساسی این مقاله آن است که یکی از راه‌های اندازه‌گیری وجود ربا در نظام بانکی توجه به موارد حیل‌های ربوی در قراردادهای بانکی است. برای این منظور، در این نوشتار با طراحی جدولی که نشان‌دهنده درجه انحراف قراردادهای بانکی از حیث ربوی بودن است، و نیز با پیشنهاد دو نسبت «نسبت ارزش قراردادهای ربوی» و «نسبت سود حاصل از ربا»، رهیافتی نو برای تدوین شاخص ربا در بانکداری اسلامی ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ربا، حیل ربا، بانکداری اسلامی، شاخص، شاخص ربا

طبقه‌بندی JEL: E4, E5, C43

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی شاخص‌های بانکداری اسلامی می‌باشد که با حمایت مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری انجام شده است.

mgmohagh@yahoo.com

** استادیار گروه اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

دریافت: ۱۳۹۰/۴/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۲۳

مقدمه

یکی از موضوعات بسیار مهم در ارتباط با سازمان‌ها، بنگاه‌ها و مؤسسات مالی، بحث سنجش و ارزیابی عملکرد آنهاست. مدیران و دست‌اندرکاران در این نهادها می‌کوشند تا با دست یافتن به بهترین روش‌ها و به کارگیری شاخص‌های مناسب، عملکرد نهادهای مورد نظرشان را اندازه‌گیری نموده و بدین طریق، میزان موفقیت و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده را در نهادهای مذکور سنجش نمایند.

در واقع، هدف اصلی مؤسسات اقتصادی از انجام فرایند ارزش‌یابی، اطمینان یافتن از صحت و سقم عملکرد مؤسساتی است که با هدف سودآوری، در فضای رقابتی به فعالیت می‌پردازند. در این میان بانک‌ها و مؤسسات مالی با توجه به جایگاه ممتازشان در عرصه نظام مالی، از اهمیت بالایی برخوردار بوده و از همین رو، دست‌اندرکاران این حوزه تلاش نموده‌اند تا با به کارگیری شیوه‌های مطرح شده، میزان کارایی و سودآوری بنگاه‌ها و مؤسسات مالی را به دقت مورد ارزیابی قرار داده و از صحت عمل آنها اطمینان حاصل نمایند.

در این مقاله، تلاش بر این است تا ضمن معرفی اجمالی روش‌های متداول در ارتباط با ارزیابی بانک‌ها و شاخص‌های مطرح شده در این خصوص، با توجه به مبانی نظام مالی اسلامی، راهبردهایی را جهت ارزیابی عملکرد بانک‌های اسلامی معرفی نماییم. به عبارت دیگر، هدف اصلی تحقیق دست یافتن به رهیافت‌هایی است که بتوان به واسطه آنها، فرایند نظام بانکداری اسلامی را همراه آثار و نتایج حاصل از آن، با توجه به معیارهای اسلامی، سنجش و ارزیابی نمود. برای این مهم، ابتدا به معرفی اجمالی روش‌های رایج ارزیابی پرداخته و سپس، با ذکر برخی پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی، به تبیین فرایند شاخص‌سازی در بانکداری اسلامی می‌پردازیم. از آنجا که تبیین کامل این شاخص در نوشتار حاضر میسر نیست و از حوصله آن بیرون است، با توجه به مهم‌ترین اصل بانکداری اسلامی مبنی بر حرمت ربا، تأکید این مقاله را بر شاخص ربا به عنوان اصلی‌ترین شاخص بانکداری اسلامی قرار می‌دهیم.

برای این منظور، تلاش می‌شود تا به روش توصیفی (و با استفاده از منابع معتبر کتابخانه‌ای)، ضمن برشمردن رئوس مطالب پیرامون ربا از جمله تعریف، اقسام، و حیل ربا، شاخص ارزیابی فعالیت‌های ربوی در بانکداری اسلامی معرفی شود. مدعای این

پژوهش این است که به کمک شاخص معرفی شده، می‌توان فعالیت‌های بانکی را از حیث ربوی بودن سنجش و ارزیابی کرد و در نهایت، به کمک ابزاری که در اختیار سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، و مدیران بانک‌های اسلامی قرار می‌دهد، به این پرسش کلیدی پاسخی درخور داد که: چه میزان از فعالیت بانک‌های اسلامی ربوی می‌باشد؟

پیشینه پژوهش

مقوله ارزیابی سیستم‌های پولی و مالی، مقوله‌ای است که پیدایش آن را می‌توان همزاد با گسترش فعالیت‌های بانکی در قرن هفدهم دانست.^۱ شاهد این مدعا، ارزیابی بسیار ساده بانکداران اولیه است از نحوه ورود و خروج سپرده‌ها (که آن زمان به شکل طلا و نقره بود)؛ آنان با توجه به این اصل ساده و البته مهم که نیازی به نگهداری تمامی سپرده سپرده‌گذاران در صندوق بانک نیست، فقط بخشی از سپرده‌ها را در صندوق بانک ذخیره می‌کردند و از این راه، نیاز مشتریان خود را پاسخ می‌گفتند (و در مقابل، از باقی مانده سپرده‌ها، کسب سود می‌کردند). با گسترش صنعت بانکداری و پیچیدگی‌های فراوان عملیات مالی و پولی، نیاز به سیستم‌ها و شاخص‌های ارزیابی پیش از بیش احساس شد. به همین دلیل، همگام با تحوّل نظام بانکی، می‌توان تحوّل را نیز در سیستم‌های ارزیابی بانکداری مشاهده نمود.

اگرچه ذکر تمامی مدل‌های ارزیابی نظام بانکی در این نوشتار میسر نیست، اما برای آنکه نمایی کلی از نحوه ارزیابی عملکرد نظام بانکی متعارف تصویر شود، برخی از مهم‌ترین و امروزی‌ترین این مدل‌ها را در ادامه مورد اشاره قرار خواهیم داد. به طور کلی، روش‌های به کار گرفته شده در رابطه با سنجش و ارزیابی عملکرد بانک‌ها، به سه مدل اصلی خلاصه می‌شوند:

۱. مدل تحلیلی پوشش داده‌ها (DEA)^۲

تحلیل پوششی داده‌ها محاسبه ارزیابی سطوح کارایی را در داخل یک گروه سازمانی نشان می‌دهد که کارایی هر واحد در مقایسه با گروهی محاسبه می‌شود که دارای بیشترین عملکرد هستند. این واحدها ممکن است شعبه‌های یک بانک یا پالایشگاه‌ها و... باشند.^۳ در این شیوه، هدف رساندن واحدهای ناکارا به مرز کارایی است که توسط مجموعه‌ای از واحدهای با اندازه کارایی یک، مشخص می‌گردد. این دسته از واحدها در واقع، همان

واحدهای مرجع هستند که از آنها به عنوان الگو برای واحدهای ناکارا استفاده می‌شود. در این شیوه، دو راهکار اساسی برای رساندن واحدهای ناکارا به مرز خودکفایی معرفی شده است: الف) سنجش کارایی با ماهیت ورودی محور: کاهش دادن نهاده‌ها، بدون کاهش در ستانده‌ها، با هدف قرار گرفتن بر روی مرز خودکفایی: ب) سنجش کارایی با ماهیت خروجی محور: افزایش دادن ستانده‌ها، بدون افزایش در نهاده‌ها، در راستای قرار گرفتن بر روی مرز خودکفایی.

در راهکار اول، نسبتی از کارایی فنی مدنظر است که در آن، بدون تغییر در میزان خروجی‌ها و صرفاً با کاهش در ورودی‌ها، به مرز کارایی دست یابیم. اما در راهکار خروجی محور، نسبتی موردنظر است که با افزایش خروجی‌ها و عدم تغییر در ورودی‌ها بتوان به مرز کارایی دست یافت. در خصوص اینکه یک نهاد و یا سازمان کدام یک از این دو راهکار را انتخاب خواهد کرد، به میزان کنترل مدیران به هریک از ورودی‌ها و خروجی‌ها باز می‌گردد. چنانچه مدیریت بر میزان خروجی کنترل نداشته و از پیش تعیین شده باشد، قطعاً راهکار ورودی محور را بر خواهد گزید و بالعکس.^۴

۲. مدل فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)^۵

فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی برای نخستین بار در سال ۱۹۷۰ توسط توماس ال. ساعتی^۶ مطرح گردید. این فن بر پایه سنجش قضاوت‌های ذهنی تصمیم‌گیرنده در خصوص ارزیابی گزینه‌های مختلف با توجه به معیارهای گوناگون نهفته است. معیارهای ارزیابی می‌توانند ترکیبی از هزینه و منفعت باشند.

اساس مدل AHP بر پایه درخت سلسله‌مراتب و مقایسات زوجی از پایین به بالا شکل گرفته است. به طور کلی، شیوه تحلیل سلسله‌مراتبی دارای سه سطح اصلی هدف، معیارها، و گزینه‌های رقیب است. در درخت AHP، نهاده‌های واحدهای تصمیم‌گیری، همان معیارها خواهند بود.^۷

در به کارگیری این روش، به طور معمول، چهار مرحله اساسی وجود دارد: الف) بنا کردن سلسله‌مراتب و طبقه‌بندی مسئله موردنظر، ب) مقایسات زوجی عوامل مندرج در هر سطح از سلسله‌مراتب در پاسخگویی به تحقق یا تأمین احتیاجات هدف یا عوامل سطح بالاتر؛ ج) محاسبه وزن نسبی عوامل هر سطح با استفاده از ماتریس مقایسات زوجی؛

د) تعیین اهمیت نسبی هرکدام از گزینه‌های تصمیم‌گیری در رابطه با معیارها و هدف کلی مسئله موردنظر. از این روش نیز در ارزیابی‌های سازمانی متعدّد در داخل و خارج از کشور استفاده به عمل آمده است. در برخی پژوهش‌ها نیز دو مدل DEA و AHP به صورت تطبیقی و مقایسه‌ای به کار گرفته شده است.^۸

۳. مدل کامل^۹ (CAMEL)

یکی دیگر از شیوه‌های مهم ارزیابی عملکرد بانک‌ها که دربرگیرنده ابعاد و جنبه‌های اصلی عملکرد بانک‌ها و مؤسسات مالی (درجه اعتبار، سودآوری و نقدینگی) می‌باشد، به شاخص‌های اساسی همچون کفایت سرمایه، کیفیت دارایی‌ها، عملکرد درآمدها، نقدینگی و شاخص بررسی‌های نظارتی و حساسیت بازار (که بعدها اضافه گردیده) اشاره دارد.

با توجه به ادبیات ترسیم‌شده در بالا، می‌توان به برخی از مطالعات در خصوص ارزیابی عملکرد نظام بانکی اشاره نمود؛ لکن از آنجا که پیشینه این موضوع بسیار فریه می‌باشد، تنها به ذکر مطالعات صورت‌گرفته در کشورمان بسنده می‌کنیم.

در رابطه با ارزیابی عملکرد بانک‌های جمهوری اسلامی ایران، مطالعاتی صورت گرفته که غالب آنها به شیوه‌های رایج سنجش و ارزیابی است که در بالا به آنها اشاره شد. یاسری (۱۳۷۴)، با استفاده از برخی معیارهای سودآوری، بهره‌وری نیروی انسانی، و کفایت سرمایه، بانک‌های تجاری ایران را در سال ۱۳۷۴ مورد ارزیابی قرار داده است. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که بین بانک‌های تجاری ایران و استانداردهای بین‌المللی، فاصله زیادی وجود دارد. مطالعه سوری (۱۳۷۶) نیز نشان می‌دهد که بین دارایی بانک‌های تجاری ایران و سوددهی آنها، رابطه معنی‌داری وجود نداشته و در برخی بانک‌ها حتی رابطه منفی وجود داشته است. برهانی (۱۳۷۶) کارایی بانک‌های تجاری ایران را برای سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۷۵ محاسبه و مقایسه نموده است. نتیجه پژوهش وی حاکی از آن است که کارایی بانک‌های ایران با متغیرهای مستقل اندازه، تعداد شعب، و سطح تحصیلات کارکنان رابطه مثبت، و با نسبت دارایی ثابت به کل دارایی‌های بانک رابطه عکس داشته است. سید کاظم صدر و دیگران نیز با شیوه واسطه‌گری تعدیل‌شده، ضمن اصلاح و تکمیل روش‌های محاسباتی نهاده‌ها و ستانده‌های بانکی، بهره‌وری بانک‌های اسلامی (بانک کشاورزی) را مورد ارزیابی قرار داده‌اند.^{۱۰}

همچنین افشار کاظمی و دیگران (۱۳۸۵)، با استفاده از مدل تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)، ارزیابی کارایی نسبی شعب بانک توسعه صادرات ایران را مورد ارزیابی و مطالعه قرار داده‌اند.^{۱۱} ریاضت (۱۳۸۱) نیز در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی عملکرد بانک‌ها: از طرح تا عمل»، تلاش نموده است تا با بهره‌گیری از شاخص‌های مختلف، بهره‌وری بانک‌های داخلی را اندازه‌گیری نماید. شاخص‌هایی که در این فرایند ارزیابی به کار رفته است، عبارت‌اند از: ۱. شاخص‌های بخش سرمایه‌گذاری (نسبت سرمایه‌گذاری‌ها به کارکنان و نسبت سرمایه‌گذاری‌ها به جمع دارایی‌های ثابت؛ ۲. شاخص‌های بخش‌های وصول مطالبات و کنترل سرمایه‌گذاری‌ها (وصول وام، اعتبارات و تسهیلات اعطایی و شاخص وصول بدهی اعتبارات اسنادی، ضمانت‌نامه‌ها و شاخص کنترل طرح‌های سرمایه‌گذاری)؛ ۳. شاخص‌های جذب منابع؛ ۴. شاخص‌های سودآوری؛ ۵. شاخص‌های تناسب دارایی‌ها و بدهی‌ها؛ ۶. شاخص نظرات حسابرسی و برخی شاخص‌های دیگر.^{۱۲}

علاوه بر مطالعات فوق، در خصوص شاخص کفایت سرمایه نیز به صورت پراکنده، پژوهش‌هایی صورت پذیرفته است؛ از آن جمله می‌توان به مقاله سیف (۱۳۸۴) با عنوان «کفایت سرمایه در نظام بانکی» اشاره نمود. وی تلاش نموده است تا در جهت ارائه تصویری روشن از ضرورت و اهمیت مفهوم کفایت سرمایه در عرصه نظام بانکی، ضمن تحلیل ویژگی‌ها و کارکردهای سرمایه در نظام بانکی، نقش آن را در برقراری و حفظ سلامت و پایداری در این نظام به دقت مورد بررسی قرار دهد. در ادامه نیز بر نقش بانک مرکزی در فرایند تدوین الزامات حاکم بر اندازه‌گیری کفایت سرمایه بانک‌ها در ایران تأکید نموده است.^{۱۳}

چنانچه از مرور این مطالعات روشن می‌شود، هیچ‌کدام از آنها به طور مشخص در خصوص شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی دستاورد روشنی ندارند و تلاش نموده‌اند تا نظام بانکداری اسلامی را با شاخص‌های مطرح در نظام متعارف بسنجند. بررسی مطالعات پراکنده صورت گرفته در خصوص بانک‌های اسلامی نیز نشان می‌دهد که عمده این پژوهش‌ها، مبتنی بر روش «کامل» (و با استفاده از شاخص کفایت سرمایه)، تلاش نموده‌اند تا ارزیابی نسبت به عملکرد نظام بانکی اسلامی ارائه نمایند. این‌همه در حالی است که اساساً استفاده از شاخص کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی، با توجه به بیانیه

کمیته بازل، پرسش‌های فراوان و کلیدی را پیش‌رو قرار می‌دهد که پاسخ مناسبی را نمی‌توان برای آن یافت.

مسئله اصلی و محوری در بیانیه فوق، مشخص نمودن جایگاه حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود، در محاسبه نسبت کفایت سرمایه می‌باشد. این موضوع از آن جهت قابل بررسی است که متدولوژی کمیته بازل هیچ‌گونه ذخیره‌ای را برای ارقام طرف بدهی‌ها مانند حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود، که نه جزء وجوه سهامداران محسوب می‌شود و نه (منطقاً) جزء بدهی‌هاست، نگهداری نمی‌کند. از این‌رو، محاسبه نسبت کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی پرسش‌های بنیادینی را در مورد آن برمی‌انگیزد؛ پرسش‌هایی از قبیل: الف) اگر حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود می‌توانند به عنوان بخشی از سرمایه سهام در خطر بانک محسوب شوند، این حد تا چه میزان است؟ ب) سرمایه یک بانک اسلامی (وجوه سهامداران)، در نتیجه وجود حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود، تا چه حد در معرض خطر قرار دارد؟ ج) در صورت عدم تمایز، لازم است چه تمایزهایی را بین حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود محدود و نامحدود قائل شد؟^{۱۴}

یادی‌پور (۱۳۸۷)، در مطالعه‌ای با موضوع: الگوی ارزیابی کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی، ضمن بررسی مقررات مطرح‌شده از سوی کمیته بازل، معتقد است: ضرایب ریسک در قراردادهای اسلامی با آنچه کمیته بازل بیان کرده است متفاوت بوده و از آنجایی که بانکداری اسلامی نظامی نوین با کارکردها و اهداف مرتبط با خود می‌باشد، در نتیجه نیازمند کفایت سرمایه و ضرایب ریسکی متناظر با ماهیت بانکداری اسلامی می‌باشد.

بنابراین با بررسی مطالعات صورت‌گرفته در خصوص ارزیابی عملکرد بانک‌های اسلامی از سویی و نیز با تأمل و دقت در شاخص‌ها و مدل‌های ارزیابی عملکرد نظام بانکی از سویی دیگر، روشن می‌شود که هیچ‌کدام پیرامون اصول کلیدی و مهم بانکداری اسلامی از جمله عدم ربوی بودن عملکرد، حرکت در مسیر عدالت اجتماعی و اقتصادی و ... دستاوردی ندارند. این پژوهش، ضمن ارج نهادن به تلاش‌های صورت‌گرفته، با ناکافی دانستن آنها، می‌کوشد تا با رویکردی نوین، مدلی را در خصوص ارزیابی عملکرد نظام بانکی معرفی کند که دست‌کم، مهم‌ترین اصول نظام بانکداری اسلامی را مورد ارزیابی قرار

دهد. لازم به ذکر است که مدل معرفی شده، با سایر شاخص‌های مرسوم در ارزیابی عملکرد نظام بانکی در تنافی نیست؛ بلکه می‌کوشد تا کاستی‌های اساسی در خصوص ارزیابی عملکرد بانکداری اسلامی را جبران نماید. به همین منظور، در ادامه ابتدا مبانی نظری مدل مذکور را تبیین نموده، سپس به تشریح یکی از کلیدی‌ترین شاخص‌های ارزیابی نظام بانکداری اسلامی می‌پردازیم.

مبانی نظری پژوهش

بی‌شک، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول و مبانی حاکم بر نظام بانکداری اسلامی، تحریم ربا و یا بهره است. گواه این مدعا تصریح آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره مبارکه بقره است که به صراحت، ربا و فعالیت‌های پیرامون آن را در مقام جنگ با خدا و رسولش می‌داند. آن‌چنان که از آیات و روایات برمی‌آید، ربا و بهره در نظام مالی و پولی اسلام به شدت نهی شده است و در خصوص آن، تعبیری برای تهدید و تعذیر مؤمنان به کار رفته است که در کمتر گناهی تا این حد سخت‌گیری شده و بر آن وعده عذاب شدید داده شده است.^{۱۰} بنابراین، مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین اقدام در خصوص عملیات بانکی حذف ربا از این سیستم است؛ این در حالی است که ربا و بهره در اقتصاد سرمایه‌داری و بانکداری متعارف از جایگاه منحصر به فردی برخوردار است. بهره و ربا، یکی از اصلی‌ترین عواملی است که بانکداری سنتی را به تکاپو وامی‌دارد و سازوکار اقتصادی بر اساس آن انجام می‌شود. در این نظام، بهره قیمت پول است و پول یک کالای اقتصادی مفید و کمیاب به حساب می‌آید که مصرف‌کنندگان آن حاضرند، در مقابل استفاده از پول، قیمت آن را پرداخت کنند.

به همین جهت است که معمولاً نخستین گام در جهت تحقق نظام بانکداری اسلامی، حذف ربا از آن است و نمونه آن را می‌توان در بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله ایران، پاکستان، مصر، اردن و برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس مشاهده نمود. بررسی تجربه تاریخی هریک از کشورهای مذکور نیازمند پژوهش‌های مستقلی است؛ لکن در اینجا می‌توان به تلاش‌های صورت گرفته در ایران برای حذف ربا از عملیات بانکی اشاره کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نخستین گام در جهت اسلامی کردن فعالیت‌های بانکی، تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا توسط مجلس شورای اسلامی

در شهریور ۱۳۶۲ و اجرای آن از ابتدای سال ۱۳۶۳ بود. این قانون که در واقع نشان‌دهنده عزم جدی جمهوری اسلامی ایران برای حذف ربا از عملیات بانکی در سال‌های نخست پیروزی انقلاب بود، در پنج فصل مشتمل بر اهداف و وظایف بانکی در جمهوری اسلامی ایران، تجهیز منابع پولی، تسهیلات اعطایی، بانک مرکزی ایران و سیاست پولی و فصلی با عنوان متفرقه به تصویب رسید. مطابق ماده یک این قانون، هدف نظام بانکی عبارت است از: «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور» که نوشتار حاضر نیز در صدد بررسی همین مسئله می‌باشد.

با گذشت بیش از ۲۷ سال از اجرای این قانون، انتقادات و پیشنهادهای زیادی پیرامون قانون عملیات بانکی بدون ربا و نحوه اجرای آن در عمل، از سوی کارشناسان مطرح شده و قضاوت‌های مختلفی در مورد عملکرد سیستم بانکی کشور در قبال این قانون، صورت گرفته است. نبود شاخص‌های بخشی^{۱۶} سبب شده تا به صورت واضح نتوان گفت که هریک از شعب، بانک و در نهایت سیستم بانکی چه مقدار در تحقق اهداف قانون موفق بوده است. همچنین، نبود شاخص کلی، زمینه‌ساز قضاوت‌های متفاوت در زمینه عملکرد شعب، بانک‌ها و سیستم بانکی در تحقق هریک از اهداف قانون یادشده می‌باشد. لذا طراحی شاخص‌های متناسب با هریک از اهداف، و شاخص کل در مورد عملکرد کلی بانک از ملزومات اسلامی کردن فعالیت‌های بانکی می‌باشد. ما بر این باوریم که تدوین شاخص جامع بانکداری اسلامی، نیازمند طراحی شاخص‌هایی است که هریک بتواند بخشی از اهداف این نظام را ترسیم نماید. به همین منظور، در نوشتار حاضر، بر شاخص ربا به عنوان مهم‌ترین شاخص بانکداری اسلامی تأکید نمودیم.

اما طراحی شاخص‌های مناسب با اهداف و اصول بانکداری اسلامی نیازمند درک صحیح و روشنی از مفاهیم مورد اشاره در شاخص‌ها می‌باشد. به عبارت بهتر، چنانچه قصد داریم که شاخصی را در جهت ارزیابی فعالیت‌های بانک‌های اسلامی از حیث ربوی بودن طراحی نماییم، این امر مستلزم شناخت صحیح و کامل مفهوم ربا و مسائل پیرامونی آن است که در حقیقت، شکل‌دهنده مبانی نظری این نوشتار خواهد بود.

مفهوم‌شناسی شاخص ربا

به طور کلی، در فقه اسلامی، ربا بر دو نوع است: ربای معاملی و ربای قرضی. ربای معاملی بیشتر در گذشته و در مبادلات پایاپای رواج داشت. به طور کلی، هرگونه زیادی در معامله دو شیء هم‌جنس و یا معامله‌ای که مشتمل بر زیادی یکی از عوضین باشد، با فرض تحقق شرایط خاص، ربای معاملی می‌شود. از آنجا که در فعالیت‌های بانکی امکان تحقق این نوع ربا بسیار ضعیف است، لذا در این نوشتار مورد بحث قرار نمی‌گیرد. اما رایج‌ترین نوع ربا، چه در زمان‌های گذشته و چه در عصر حاضر، ربای قرضی است؛ به این صورت که فردی برای تأمین نیازهای مالی جهت امور مصرفی یا سرمایه‌گذاری، تقاضای قرض می‌کند و در ضمن عقد متعهد می‌شود آنچه را می‌گیرد همراه با زیادی برگرداند. در حقیقت، ربای قرضی، در نوع خاصی از عقد قرض تحقق می‌یابد که در آن شرط «زیادی» شده است. و این شرط اعم از زیادی حقیقی و یا حکمی است. منظور از زیاده حقیقی، پول یا کالایی است که شخص قرض‌دهنده، علاوه بر اصل سرمایه‌ای که به عنوان قرض داده است، می‌گیرد. منظور از زیاده حکمی، رسیدن هرگونه نفع (به غیر از پول یا کالا) به شخص قرض‌دهنده است.

نکته دیگری که در طراحی شاخص ارزیابی فعالیت‌های ربوی بانک‌های اسلامی بسیار حائز اهمیت می‌باشد، آشنایی با حیل ربا و نحوه مواجهه با آنهاست. به عبارت دی‌گر، امروزه با توجه به الزام بانک‌ها بر اجرای «قانون بانکداری بدون ربا» بسیاری از فعالیت‌های ربوی بانک‌ها از مس‌ی‌ر به کارگیری حیل ربا محقق می‌شود.

برای فرار از حکم حرمت ربا، با حفظ غرض از آن، سعی می‌شود کاری انجام شود که موضوعاً از عنوان «ربا» خارج بوده و این عنوان بر آن صادق نباشد. پس، حیل ربا را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «حیل ربا، عملی است که به منظور تغییر حکم ربا، با حفظ غرض از آن، از راه تغییر عنوانی که بر آن منطبق است، انجام می‌شود». حیل ربا را از این جهت حیل می‌گویند که در آن، حقیقت قرض ربوی در شکل دیگری به غیر از قرض اعمال می‌شود؛ یعنی در ازای دادن سرمایه، التزام به پرداخت اصل سرمایه همراه با زیاده در شکل ظاهری دیگری به غیر از قرض از شخص متقاضی گرفته می‌شود. بدین طریق، دقیقاً همان کارکرد و حقیقت ربا در شکل دیگری اتفاق می‌افتد. البته، تعریف دیگری از حیل ربا

می‌توان ارائه کرد که هر نوع چاره‌جویی از ربا را شامل می‌شود؛ اعم از اینکه حقیقت قرض را داشته یا نداشته باشد که در اینجا منظور ما نیست.

اقسام حیل‌های ربا

الف) حیلۀ عقد صوری: عقد صوری حیل‌های است که در آن، از اسم عقود اسلامی سوء استفاده، می‌شود و به جهت همین سوء استفاده عنوان حیل‌ها را برای آن به کار می‌بریم. فعالیت‌های صوری در نسبت با مبحث ربا و یا سوء استفاده از اسم عقود اسلامی به دو گونه است:

۱. **معامله صوری دسته اول:** اینکه عقد شرعی‌ای که قرار است به واسطه آن، عملکرد غیرربوی باشد اصلاً مورد قصد قرار نگیرد و قصد، همان گرفتن یا دادن پول در ازای تحویل آن همراه با زیاده باشد (با این فرض که نحوه انعقاد این عقد به گونه‌ای است که عرفاً تفاوتی بین آن و قرض ربوی نباشد و ما این عدم تفاوت را از جهت صدق حقیقت قرض ربوی اشکال می‌کنیم). در این صورت، حتی در منظر کسانی که حیلۀ ربا را جایز می‌دانند نیز این معامله ممنوع است؛ چراکه حقیقتاً رباست.

۲. **معامله صوری دسته دوم:** اینکه عقد شرعی مورد قصد قرار گیرد؛ اما به آن دسته از لوازم و احکامی که ممیز ربا از عقود شرعی هستند، در مقام انشای عقد و یا در مقام عمل، پایبندی وجود نداشته باشد. در این فرض، این قرارداد به شکل صوری و بدون التزام به احکام ممیز قرارداد از ربا بسته شده و عدم رعایت احکام آن ما را دچار ربا می‌کند. اگر در مقام انشای عقد مفروض طرفین قرارداد (چه به صورت مصرح و چه به صورت ارتكازی) این باشد که این احکام رعایت نشوند، حقیقت این معامله با توجه به عملکرد آن قرض ربوی خواهد بود. و حتی از منظر کسانی که حیل ربا را جایز می‌دانند نیز این معامله ربا و باطل است. معنای این مطلب این است که در حقیقت، این شخص قصد آن عقد شرعی را نکرده است؛ بلکه قصد قرض به شرط زیاده را کرده است و آنچه که به زیان آورده یا از ذهن گذرانده حقیقت عملکردی را که قصد حقیقی او بدان متوجه است تغییر نمی‌دهد.

ب) حیلۀ تغییر عنوان: اینکه عنوان معامله‌ای را که حقیقت آن قرض ربوی است تغییر دهند؛ مثل فروش نسیه اسکناس که حقیقت آن قرض ربوی است، ولی عنوان فروش را روی

آن گذاشته شود که عرف آن را نمی‌پذیرد. فرق این حيله با دسته دوم از حیل این است که در اینجا، با فرض پای‌بندی به قرارداد، معامله ربوی است.

ج) حيله عقود ترکیبی: معامله متشکل از دو یا چند عقد به هم پیوسته باشد (یعنی ایجاب و قبول چند عقد هم‌زمان بسته شود) یا اینکه یک عقد به شرط انجام شدن عقد دیگر صورت گیرد (یعنی انعقاد عقد دوم در ضمن انعقاد عقد اول شرط شود)؛ به گونه‌ای که حتی با فرض پای‌بندی به عقود موجود در این معامله، عرف عملاً بین این معامله و قرض ربوی تفاوتی نمی‌بیند و حقیقت قرض ربوی را در معامله مشاهده می‌کند.

لازم به ذکر است، از آنجا که موضوع حیل ربا مورد اختلاف فقها بوده و مباحث فراوانی اطراف آن صورت گرفته است، به جهت آنکه مبنای فقهی مشخصی را برای تدوین شاخص ربا در اختیار داشته باشیم، نظر فقهی امام خمینی علیه السلام را ملاک تحلیل قرار می‌دهیم. ناگفته روشن است که شاخصی که در نهایت به آن دست خواهیم یافت منطبق با مبانی فقهی امام خمینی علیه السلام خواهد بود و چنانچه نظر سایر فقها را لحاظ نماییم، ممکن است که در نتایج به دست آمده اختلاف‌هایی مشاهده شود.

امام خمینی علیه السلام حيله ربا را در ربای قرضی، مطلقاً باطل می‌داند.^{۱۷} بر این اساس، چنانچه هرکدام از حیل فوق تحقق یابد، مطابق با نظر امام خمینی علیه السلام باطل است.

از آنجا که در این پژوهش بنا داریم تا شاخص ربا را برای ارزیابی عملکرد نظام بانکی طراحی نماییم، در ادامه برخی از تطبیق‌های ربا و حیل آن را در بانک‌ها مورد اشاره قرار خواهیم داد.

تطبیق دسته اول از اقسام حيله‌ها:

مشتریان بانک با توجه به مناسباتی که این نهاد برای معاملات خود ایجاد کرده است، می‌دانند که در ازای گرفتن تسهیلات باید پس از گذشت سررسید بدهی، اصل بدهی همراه با مبلغ خاصی را بپردازند. با صرف‌نظر از اینکه چنین معامله‌ای حيله رباست، بودن قرار ثابت برای مشتریان باعث شده است تا مشتریان اصلاً به نوع معامله‌ای که بانک با عنوان آن معامله قصد تصحیح دارد توجهی نکنند و آن را قصد نمایند. در واقع، آنچه مورد قصد آنان است همان قرض است که باید با اضافه‌ای، آن را پرداخت کنند. البته اگر مشکل فقط همین می‌بود، شاید با آموزش می‌شد مشکل را حل کرد.

تطبیق دسته دوم از اقسام حيله‌ها:

مضاربه: یکی از احکام مضاربه تعیین سهم هریک از مالک و عامل از سود به صورت کسر مشاع می‌باشد؛ مثلاً باید گفت: دو - سوم سود برای مالک، و یک - سوم برای عامل. پس، تعیین آن به صورت غیرمشاع (مثل اینکه بگویند: صد هزار تومان برای مالک یا یک - دهم سرمایه به عنوان سود برای مالک) صحیح نیست. پس، اگر بانک بدون توجه به میزان سود نهایی تحت هر عنوانی مطالبه مبلغی را بنماید، معلوم می‌شود که قصد مضاربه حقیقی نداشته و برای فرار از ربا از این عنوان استفاده کرده است که باطل است.

در مضاربه اگر سودی حاصل نشد، همان‌طور که عامل حق دریافت اجرت‌المثل برای کارش را ندارد، مالک نیز حق گرفتن مالی به عنوان سود را نخواهد داشت و اگر در ضمن مضاربه شرط شده باشد که عامل تا سقف مبلغ خاصی به عنوان مصالحه بپردازد، آنچه مورد مصالحه قرار می‌گیرد سود است (در جایی که سودی حاصل شده باشد). و مصالحه، در فرض عدم حصول سود، بی‌معناست. پس، در مضاربه بانک، اگر عامل پس از مضاربه سودی حاصل نکرد، بانک نمی‌تواند او را به پرداخت مبلغ خاصی مجبور کند.

مضاربه از هر دو طرف جایز است؛ حتی اگر در آن شرط مدت کنند برای هرکدام از طرفین جایز است قبل از پایان مدت آن را فسخ نمایند. همچنین اگر در عقد خارج لازم شرط کنند که قرارداد مضاربه منعقد شده را فسخ نمایند، اگر مقصود این باشد که به آن ملتزم باشند و آن را فسخ نمایند، نه اینکه وضعاً عقد لازم باشد، این شرط صحیح است و عمل به آن لازم می‌باشد. اما باید دانست که اگر یکی از آنها به این شرط عمل نکنند و مضاربه را فسخ نمایند مضاربه منفسخ می‌شود؛ هرچند خلاف شرط مرتکب شده و ترک واجب کرده است. البته در صورت تزاحم بین این واجب و واجب دیگر و اهم بودن آن واجب دیگر، وجوب عمل به شرط از فعلیت افتاده و خلاف شرع هم مرتکب نشده است. پس اگر در مضاربه بانک عامل بعداً احساس کرد معامله‌اش سودآور نیست، از نظر وضعی می‌تواند مضاربه را فسخ کند؛ حتی اگر شرط عدم فسخ در عقد لازم خارج شده باشد. و از نظر تکلیفی نیز اگر واجب اهمی با وجوب عمل به شرط در تزاحم باشد، دچار معصیت نیز نشده است.

جعاله: بانک با بستن دو عقد جعاله که در عقد اول بانک عامل و متقاضی تسهیلات جاعل است و در عقد دوم بانک جاعل است، فعالیت خود را انجام می‌دهد: اولاً، باید

شخص عامل در عقد دوم شخصی غیر از جاعل در عقد اول باشد؛ چراکه در غیر این صورت، با توجه به اینکه عملی را که بانک در عقد اول انجام آن را پذیرفته و پرداخت جعل آن را به صورت غیر نقد و زمان دار و البته با رقم بالاتر از جعل نقد شرط کرده است، آن عمل را با قیمت پایین تری به خود همان شخص واگذار می کند و طبیعتاً مسئولیت عملی را که در عقد اول از او پذیرفته - از جهت انجام صحیح و طبق قرارداد جعالة اول - را به خود همان شخص باز می گرداند و فقط در این میان، پولی را می پردازد تا در زمان دیگری این پول را به اضافه زیاده ای بگیرد. این عملکرد حيله برای فرار از ربا، و باطل است. ثانیاً، اگر بانک از شخص جاعل در عقد اول بخواهد که یک نفر را به عنوان پیمانکار یا عامل در عقد دوم به بانک معرفی کند یا از طرف بانک وکیل در انعقاد جعالة دوم باشد، نباید به گونه ای باشد که مسئولیت عملی که بانک در جعالة اول پذیرفته است از جهت انجام صحیح و کامل و طبق قرارداد، از عهده بانک ساقط شود و به عهده خود جاعل که معرف عامل عمل مورد تقاضای خود بوده است منتقل شود؛ چراکه در این صورت نیز همانند صورت قبل، بانک هیچ مسئولیتی از جهت قبول عمل در جعاله را متحمل نشده و هیچ ریسکی را قبول نکرده و با توجه به حقیقت عملکرد که در آن بانک وجهی را می پردازد و دریافت آن به همراه یک اضافه ای را در زمان دیگری خواستار می شود، این صورت نیز حيله برای فرار از ربا بوده و باطل است. ثالثاً، بانک موظف است قسمتی از کاری را که قبول کرده است انجام دهد و سپس آن را به دیگری واگذار کند؛ چراکه طبق حکم شرعی، اگر کسی کاری را به مبلغی قبول می کند، اگر می خواهد آن را به کمتر به دیگری واگذار کند، باید قسمتی از آن کار را حتی اگر کوچک باشد، انجام دهد.

مشارکت: حيله در مشارکت به این شکل است که بانک، به جای اینکه قرض ربوی دهد، تحت عنوان مشارکت، مقداری سرمایه در اختیار متقاضی قرار می دهد تا متقاضی به عنوان عامل، آن را در یک فعالیت اقتصادی سودآور به جریان درآورد؛ اما به حکم شراکت، که مشارکت در سود و زیان است، عمل نمی کند و شرط می کند که عامل، در هر صورت، مقداری ثابت به صورت علی الحساب و غیره به او پردازد و عامل حق فسخ هم نداشته باشد.

تطبیق دسته سوم از اقسام حيله ها:

- گرفتن زیاده تحت عنوان «کارمزد» (کارمزد غیر متعارف): اگر کارمزد به صورت غیر متعارف باشد، به گونه ای که عرف آن را اجرت عمل قرض دادن به حساب نیاورد، از

نظر همه فقها اشکال دارد و اگر کارمزد واقعی باشد، اختلافی است و طبق نظر مشهور، جایز است.

- گرفتن زیاده حکمیة تحت عنوان «شرط پذیرش» (قرض به شرط قرض): گرفتن پول از مردم برای آنکه به آنها بعد از گذشت یک زمان خاصی قرض بدهند. شرط پذیرش در صورتی جایز است که عرفاً نفع برانگیز نباشد و خود بانک هم قصد آن را نکند.

- گرفتن زیاده تحت عنوان «جریمه دیرکرد»: گرفتن مبلغی تحت عنوان «جریمه دیرکرد»، از نظر همه مراجع، دارای اشکال است.

تطبیق دسته چهارم از اقسام حیله‌ها:

- **معامله فروش اقساطی در بانک:** اینکه عملکرد بانک در معامله فروش اقساطی حیلۀ رباست، واضح است؛ چراکه بانک، با ترکیب چند عقد، حقیقت قرض ربوی را در فرایند اعطای تسهیلات و دریافت آن پس از مدت زمان مشخص محفوظ داشته است و بانک هیچ کاری جز اعطای پول و گرفتن معادل آن به همراه زیاده پس از مدت زمان خاصی انجام نمی‌دهد و در منظر فقهایمانند امام خمینی^ع و رهبر معظم انقلاب، که حیل ربا را جایز نمی‌شمارند، این معامله باطل است. رهبر معظم انقلاب در استفتایی به بطلان چنین معاملاتی، در صورتی که برای فرار از ربا واقع شود، تصریح می‌کنند. علاوه بر ممنوعیت از جهت حیلۀ ربا، این معامله از منظر دسته‌ای از روایات مورد منع قرار گرفته است.

- **تنزیل به ثالث:** این معامله نیز یکی دیگر از حیل رباست که بانک با ترکیب دو عقد قرض و حواله، و همچنین تغییر عنوان قرض به فروش، آن را انجام می‌دهد. در اینکه دیونی غیر از پول را می‌توان به فروش رساند، سخنی نیست؛ مثلاً یک تن گندمی را که در ذمه شخصی داریم و او قرار است آن را یک ماه دیگر به ما تحویل دهد به شخص ثالثی می‌فروشیم و نقداً وجه آن را دریافت می‌کنیم و برای شخص مدیون نیز حواله می‌کنیم که این گندم فروخته‌شده را به مشتری در سررسید یک ماه تحویل دهد. این شکل معامله بدون اشکال است. اما مسئله این است که آنچه در اینجا قرار است مورد فروش قرار گیرد پول غیرنقد در برابر پول نقد است که عرف حقیقت آن را همچون حیلۀ فروش اسکناس (فروش پول نقد به پول غیرنقد) بیع نمی‌داند، بلکه آن را قرض ربوی می‌شمارد. حضرت امام^ع این حیل را همچون سایر حیل‌ها، باطل می‌داند.

– اجاره به شرط تملیک: از آنجا که مستأجر در صورت عدم افراط و تفریط ضامن تلف کل یا جزء عین مستأجره نمی‌باشد، لذا اگر مسکن یا شیء دیگری که در قرارداد اجاره به شرط تملیک در اختیار مستأجر قرار گرفته است بدون افراط و تفریط وی در اثر تلف سماوی از بین رود یا از منفعت آن کاسته شود، بانک ضامن آن است. باید توجه داشت که در فرض بیمه‌شدن عین مستأجره توسط شرکت‌های بیمه، اگر از منفعت منزل کاسته شود (مثلاً سیستم گرمایشی یا سرمایشی منزل استیجاری خراب شود)، بانک موظف است آن را اصلاح کند؛ چیزی که در قراردادهای فعلی، به نظر می‌رسد، بدان عمل نمی‌شود. اگر بانک از ابتدا قصد داشته باشد که نسبت به این امور اهمال کند، عملکرد او در حقیقت حيله برای فرار از ربا، و باطل است.

حال، با توجه به مبانی ترسیم‌شده، می‌توان شاخصی را با عنوان شاخص ربا معرفی نمود تا به واسطه آن، بتوان عملکرد نظام بانکی را از حیث ربوی بودن مورد ارزیابی قرار داد.

درآمدی بر طراحی شاخص ربا

می‌دانیم که به طور کلی، شاخص امری است که بتوان به واسطه آن، تغییرات یا ثبوت کمی یا کیفی یک موضوع را تشخیص داده و اندازه‌گیری کرد. بنابراین، شاخص می‌بایست دو ویژگی توانایی تشخیص و قابلیت اندازه‌گیری موضوع تحت بررسی را داشته باشد. همچنین، شاخص بایستی ویژگی‌های ذیل را دارا باشد: الف) شاخص می‌بایست واقع‌نمایی داشته باشد؛ یعنی واقعیت‌هایی را که حاکی از ویژگی‌های لازم برای موضوع تحت بررسی است، منعکس سازد. ب) شاخص باید به راحتی قابل درک باشد تا نتوان با تفسیرهای مختلف و متفاوت زمینه گمراهی و سردرگمی را فراهم آورد. ج) شاخص باید بتواند چیزی را اندازه‌گیری نماید که به اهمیت و ضرورت آن در موضوع خاص قائل باشیم. د) شاخص باید بتواند در شرایط و حالات احتمالی نقش علایم هشداردهنده را ایفا نماید.

بر این اساس، در نوشتار حاضر، در مقام تبیین رهیافتی برای طراحی شاخص ربا و با توجه به ویژگی‌های «شاخص»، می‌توان نسبت‌های ذیل را در نظر گرفت. به عبارت دیگر، هر یک از نسبت‌های ذیل می‌توانند در خصوص «میزان ربوی بودن فعالیت‌های بانک‌های اسلامی» اطلاعات مفیدی را نمایان سازند:

$$\text{الف) شاخص نسبت ارزش قراردادهای ربوی} = \frac{\text{مجموع ارزش قراردادهای ربوی}}{\text{کل ارزش قراردادهای محاسبه شده}} \times 100$$

و یا با توجه به اینکه یکی از علل تحریم ربا، ظلم آشکار آن شمرده شده است، و ظلم یک مقولهٔ تشکیکی و دارای مراتب می‌باشد، سود ربوی حاصل از قراردادهای بررسی شده به کل سود قراردادها می‌تواند شاخص مناسبی برای اندازه‌گیری میزان ظلم ناشی از اخذ ربا باشد.

$$\text{ب) شاخص نسبت سود حاصل از ربا} = \frac{\text{مجموع سود حاصل از ربا}}{\text{کل سود قراردادهای بررسی شده}} \times 100$$

همان‌طور که از نسبت‌های فوق به روشنی دریافت می‌شود، میزان کمی محاسبه شده برای هر نسبت می‌تواند به عنوان شاخصی برای میزان ربوی بودن فعالیت‌های بانک‌های اسلامی تلقی شود.

پرواضح است که در محاسبهٔ نسبت‌های فوق، محاسبهٔ «مجموع ارزش قراردادهای ربوی» و نیز «مجموع سود حاصل از ربا» دارای اهمیت و تعیین‌کننده است و این موضوعی است که در ادامهٔ این مقاله بدان پرداخته می‌شود و در واقع، نوآوری آن تلقی خواهد شد. برای محاسبهٔ نسبت‌های مذکور، درصدی از قراردادهای طرف تخصیص منابع بانک را به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب کرده و با توجه به جدولی که بر اساس مبانی نظری این پژوهش (مبنی بر اینکه مسیر تحقق فعالیت‌های ربوی در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران، عمدتاً، از طریق حیل ربا می‌باشد) طراحی گردیده است، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهیم. بدیهی است، انتخاب قراردادهای بانکی بایستی منطبق بر اصول نمونه‌گیری علمی باشد.

معیارهای ربوی بودن قراردادها		
قرارداد	معیار ربوی بودن قرارداد	توضیحات و مصادیق ربوی بودن
قرارداد قرض الحسنه	اشتراط زیادهٔ عینی	اشتراط و اخذ زیادهٔ عینی اعم از اینکه در متن قرارداد یا خارج از متن شرط شود یا اینکه شرط ارتكازی عقد باشد، ربا می‌باشد.
	اشتراط زیادهٔ حکمی	اعطای قرض الحسنه به شرط سپرده (قرض) اعم از شرط در متن قرارداد یا شرط ارتكازی مسدود کردن بخشی از سپردهٔ مشتری به ازای پرداخت قرض الحسنه اعم از اینکه در متن قرارداد شرط شده باشد یا شرط ارتكازی باشد
	اخذ کارمزد غیر متعارف	اعتبار در حساب جاری
	اشتراط و اخذ جریمه تاخیر تادیه	اخذ کارمزد بیشتر از هزینه‌های اعطای قرض الحسنه ربا می‌باشد.
	اخذ خسارت تأخیر تادیه	به نظر امام، اخذ مشروط هرگونه مازاد بر دین تحت هر عنوانی ربا می‌باشد.
		مگر آنکه از مدت زیادی از دین گذشته باشد و با طلب دائن، مدیون با تمکن مالی از پرداخت دین امتناع ورزیده و بدین سبب زیان فاحشی به دائن رسیده باشد.

قرارداد -جماله	بانک یا مشتری اصلاً قرارداد جماله را قصد نکرده‌اند و صرفاً به دنبال اعطای وام با سود ثابت یا اخذ وام با سود ثابت بوده‌اند.	صورى بودن عقد
	بانک یا مشتری قرارداد جماله را قصد کرده‌اند، لکن به لوازم آن پای‌بند نیستند و صرفاً به جهت فرار از ربا قرارداد مذکور را قصد کرده‌اند.	
	اخذ اقساط در موردی که هنوز کاری انجام نشده و یا کار به پایان نرسیده است. ^{۱۸}	
	اخذ سپرده به شرط اعطای جماله بازگشت به منفعت حکمی داشته و ربا می‌باشد.	انجام قرض به شرط جماله
	جماله به شرط قرض	جماله به شرط قرض جماله به شرط قرض جایز است مگر از باب حیلۀ ربا
	بعد از انجام عمل مشتری جعل را به بانک بدهکار می‌شود و طبق نظر امام، اخذ هرگونه مازاد مشروط بر دین ربا و می‌باشد.	اشتراط و اخذ جریمه تأخیر تأدیه
	مراجعه شود به توضیح در قسمت قرض‌الحسنه	اخذ خسارت تأخیر تأدیه
قرارداد فروش اقساطی	اعم از اینکه بانک یا مشتری اصلاً عقد را قصد نکرده‌اند یا اینکه عقد را قصد کرده، ولی به لوازم آن پای‌بند نیستند.	صورى بودن عقد
	از لوازم فروش اقساطی آن است که بانک در مدت مالکیت بر کالا تعهدات مالکیت را برعهده بگیرد	
	مشتری در خرید کالا مختار باشد. لذا چنانچه جریمه‌ای برای فسخ قرارداد علیه مشتری وضع شود، به گونه‌ای که عرفاً این جریمه الزام‌آور باشد، نشاندهنده صورى بودن قرارداد است.	
	فاکتورسازی	
	مراجعه شود به توضیح در قسمت قرض‌الحسنه	اخذ جریمه تأخیر تأدیه
	مراجعه شود به توضیح در قسمت قرض‌الحسنه	اخذ خسارت تأخیر تأدیه
	به شرحی که گذشت	اخذ سپرده به شرط فروش اقساطی
قرارداد مضاربه	به اینکه بانک قصد جدی برای انجام مضاربه نداشته باشد و صرفاً عقد وسیله‌ای برای اخذ ربا قرار گرفته است.	صورى بودن عقد
	بانک قصد مضاربه کرده، ولی شروطی در متن قرارداد آمده که با مقتضای عقد مضاربه مخالف می‌باشد.	
	مشتری قصد جدی برای انجام عقد نداشته باشد و عقد صرفاً وسیله‌ای برای اخذ وام می‌باشد.	
	مصالحه سود تعیین شده با سود واقعی	
	مراجعه شود به توضیح در قسمت قرض‌الحسنه	اخذ جریمه تأخیر تأدیه
	مراجعه شود به توضیح در قسمت قرض‌الحسنه	اخذ خسارت تأخیر تأدیه
	به شرحی که گذشت	قرض به شرط مضاربه

در صورتی که یکی از عناوین جدول فوق در مورد قراردادی صادق بود، قرارداد ربوی تلقی شده و اطلاعات مربوط به آن با توجه به نسبت‌های اشاره شده، مورد استفاده قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که:

۱. از آنجا که در طراحی جدول فوق تلاش شده است تا نسبت به مفهوم ربا و حیل آن نگاهی جامع صورت گیرد، هریک از نسبت‌های فوق را می‌توان به تفکیک حیل ربا و یا موارد ربوی محاسبه کرد. بدین ترتیب، می‌توان قراردادهای مبتلاً به ربا را از حیث نوع ربا عیب‌یابی کرد.
۲. هریک از نسبت‌های فوق را می‌توان به تفکیک عقود محاسبه کرد؛ به عنوان نمونه، می‌توان نسبت‌های فوق را در دو بخش عقود مبادله‌ای و عقود مشارکتی به صورت مجزاً محاسبه نمود.
۳. روشن است که مراودات بین‌بانکی و نیز روابط بین بانک‌ها و بانک مرکزی نیز می‌بایست عاری از ربا باشد. لذا هریک از نسبت‌های فوق را می‌بایست برای روابط بین‌بانکی و بانک مرکزی نیز محاسبه نمود.
۴. شاخص ربا کلیه فعالیت‌های ربوی انجام‌شده در بانک را اندازه‌گیری می‌کند و الزاماً نشان‌دهنده این نیست که کل فعالیت‌های ربوی از سوی بانک انجام شده است، بلکه ربا قائم به دو طرف بوده و مشخصاً شاخص مربوط نیز میزان ربا در دو طرف بانک و مشتری را اندازه‌گیری می‌کند. البته می‌توان با تفکیک قائل شدن بین مواردی که بانک دخیل در فرایند ربوی شدن قرارداد می‌باشد، شاخص ربا را صرفاً برای بانک محاسبه نمود.
۵. شیوه کسب اطلاعات، مطالعه متن قرارداد، مصاحبه از مدیران و کارمندان بانکی و مصاحبه از مشتریان طرف قرارداد می‌باشد.

نتیجه‌گیری

امروزه ارزیابی عملکرد و یا مدیریت عملکرد در مجموعه‌ها و مؤسسات مالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ابداع شیوه‌های نوین ارزیابی عملکرد در مؤسسات مالی و اعتباری گواه این مدعاست. به کمک فرایند ارزیابی عملکرد قادر خواهیم بود تا اطلاعات مفید و سودمندی در خصوص چگونگی انجام مؤثر امور در جهت اهداف تعیین شده به دست آوریم. اگرچه برخی میان ارزیابی عملکرد و مدیریت عملکرد تفاوت قائل شده و معتقدند که مدیریت عملکرد جنبه کیفی داشته و دربرگیرنده کل چرخه عملکرد می‌باشد که هدف اصلی آن بهبود مستمر عملکرد مؤسسه است (در حالی که ارزیابی عملکرد جنبه کمی داشته و نتایج و پیامدهای ارزیابی را به مقادیر قابل اندازه‌گیری تبدیل می‌نماید)؛ اما در هر

صورت، در ضرورت ارزیابی و سنجش عملکرد، تردیدی وجود ندارد. بی‌شک، این ضرورت در مؤسسه‌های مالی و اعتباری که با پیچیدگی‌های فراوان پولی و مالی روبه‌رو هستند، دوچندان می‌باشد. از همین رو، مدل‌ها و الگوهای متعددی در خصوص ارزیابی عملکرد مؤسسات مالی طراحی شده است.

در همین راستا، عنوان می‌شود که در ارزیابی عملکرد، طی سه مرحله ضروری به نظر می‌رسد: الف) شناخت سازمان؛ ب) طراحی مدل ارزیابی؛ ج) تدوین شاخص‌های ارزیابی. بر اساس مراحل سه‌گانه فوق، سازمان‌ها و مؤسسات مالی تلاش نموده‌اند تا به کمک مدل‌های رایج در نظام بانکی متعارف، فرایند ارزیابی عملکرد خویش را تکمیل نمایند.

در این نوشتار، به جهت تصویر نمودن سه مرحله فوق، ابتدا به بررسی ادبیات موجود در ارزیابی عملکرد نظام بانکی پرداختیم. با بررسی الگوهای رایج، روشن شد که دست‌کم، سه مدل برای ارزیابی عملکرد نظام بانکی قابل شناسایی است. سپس با مرور مطالعات صورت‌گرفته در این خصوص، دانستیم که بیشتر آنها به الگوهای رایج پایبند بوده و بر اساس مدل‌های مذکور، اقدام به تدوین شاخص‌های مناسب جهت ارزیابی عملکرد نظام بانکی نموده‌اند.

نکته قابل تأمل در مطالعات مذکور این است که علی‌رغم اینکه عمده آنها در بستر نظام بانکداری بدون ربا سامان یافته‌اند، لکن دستاورد روشنی در خصوص ارزیابی عملکرد نظام بانکی در جهت اهداف و مبانی بانکداری اسلامی ندارند. به عبارت بهتر، بیشتر مطالعات صورت‌گرفته، برپایه مدل‌های رایج و با عنایت به شاخص‌های مرسوم ارزیابی عملکرد سامان یافته‌اند. این‌همه در حالی است که مطابق با تعاریف صورت‌گرفته از مفهوم «ارزیابی عملکرد»، بایستی چگونگی عملکرد نظام بانکی در جهت حرکت در مسیر اهداف تعیین‌شده مورد ارزیابی قرار می‌گرفت؛ امری که تاکنون محقق نشده است.

نظر به اهمیت و جایگاه برجسته ارزیابی و مدیریت عملکرد در موفقیت و پیشبرد نظام بانکداری اسلامی، این پژوهش با ناکافی دانستن تلاش صورت‌گرفته، کوشید تا گامی را در این راستا بردارد. از آنجا که یکی از مبانی و اصول کلیدی نظام بانکداری اسلامی تحریم رباست، لذا این پژوهش در گام نخست تلاش نمود تا با ورود به بحث تدوین شاخص ربا، بستر لازم را به جهت تدوین شاخص جامع بانکداری اسلامی مهیا نماید. برای این

منظور، نخست مبانی نظری بحث تبیین شد؛ سپس به کمک آن، جدولی تهیه شد که بر اساس آن، می‌توان قراردادهای منعقد شده در نظام بانکی را از حیث ربوی بودن مورد آزمون قرار داد. نتایج به دست‌آمده از این جدول را می‌توان به کمک نسبت‌های «ارزش قراردادهای ربوی» و «سود حاصل از ربا» به صورت شاخص‌های کمی بیان نمود و بدین ترتیب، گامی را در جهت تدوین شاخص ربا طی نمود.

به نظر می‌رسد، جدول طراحی شده قابلیت استفاده توسط محققان، مدیران و سیاست‌گذاران نظام بانکی را داشته باشد و امید آن می‌رود که به کمک این جدول و شاخص‌های تدوین شده، ارزیابی عالمانه و صحیحی از عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران به دست آید.

پرواضح است که نوشتار حاضر، از آنجا که به مثابه درآمدی بر موضوع فربه «شاخص ارزیابی عملکرد بانکداری اسلامی» می‌باشد، دچار اشکالات احتمالی است که نیازمند دستگیری محققان و دانشوران گرامی می‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. یوسف فرجی، پول، ارز و بانکداری، ص ۷۰.
2. Data Envelopment Analysis
۳. محمدعلی افشار کاظمی و همکاران، «ارزیابی کارایی نسبی بانک توسعه صادرات ایران با استفاده از مدل تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)»، *مجله بانک و اقتصاد*، ش ۵۷، ص ۴۲.
۴. همان.
5. Analytical hierarchy process
6. Thomas L. Saaty
۷. عادل آذر، «تحلیل پوششی داده‌ها و فرآیند تحلیل سلسله مراتبی: مطالعه تطبیقی»، *فصلنامه مطالعات مدیریت*، ش ۲۷، ص ۱۳۴.
۸. همان، ص ۱۴۳.
9. Capital adequacy Assets quality Management quality Earnings Liquidity
۱۰. سیدکاظم صدر و دیگران، «اندازه‌گیری و بهره‌وری بانک اسلامی (مورد بانک کشاورزی)»، *نامه مفید*، ش ۵۷.
۱۱. محمدعلی افشار کاظمی و همکاران، همان.
۱۲. فرهاد ریاضت، «ارزیابی عملکرد بانک‌ها از طرح تا عمل»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ش ۵.
۱۳. ولی‌الله سیف، «کفایت سرمایه در نظام بانکی»، *انجمن حسابداران نخبه ایران (حسابدار)*، ش ۱۷۰.
۱۴. سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی، محاسبه نسبت کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی، ترجمه صدیقه رهبر شمس‌کار، *بانک و اقتصاد*، ش ۱۸، ص ۱۹.
۱۵. بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، *ربا (پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا)*.
۱۶. شاخص‌ها را می‌توان به جهات گوناگونی دسته‌بندی کرد: الف) شاخص ساده: در این شاخص هر یک از داده‌ها به صورت خام و به طور یکسان وارد مدل می‌شود. شاخص مرکب: در این شاخص به هر یک از داده‌ها وزنی متناسب داده شده و وارد مدل می‌شود.
- ب) شاخص بخشی: شاخص بخشی تنها به یکی از مولفه‌های هدف می‌پردازد. شاخص کل: شاخص کل همان‌گونه که از نامش پیداست جمع‌بندی بین کلیه شاخص‌های بخشی و ارائه شاخص واحدی است. شاخص کل از آن جهت اهمیت دارد که به صورت خلاصه می‌تواند وضعیت موجود را منعکس کند. به عنوان مثال اسلامیت بانکداری، دارای مولفه‌های زیادی است که نبود ربا، رعایت عدالت، تقسیم سود و زیان و ... از جمله آن‌ها می‌باشد. ج) شاخص‌های ایجابی: شاخص‌هایی که وجود آن‌ها از نظر طراح مطلوب به نظر می‌رسد. مانند شاخص عدالت. شاخص‌های سلبی: شاخص‌هایی که وجود آن‌ها از نظر طراح نامطلوب تلقی می‌شود. مانند شاخص ربا.
۱۷. بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، همان
۱۸. در جایی که قرارداد جعاله دوم از سوی بانک با شخص جاعل در قرارداد اول بسته می‌شود یعنی عامل در قرارداد دوم جاعل در قرارداد اول قرار می‌گیرد، بانک مبلغ تسهیلات را به صورت علی الحساب و در حقیقت به عنوان قرض به مشتری (شخص عامل در قرارداد دوم) پرداخت می‌کند با توجه به اینکه بانک هیچ تعهد دیگری،

جز پرداخت اقساط تسهیلات که در قالب جعاله اول برعهده مشتری قرار گرفته است ندارد حقیقت این عملکرد قرض به شرط زیاده خواهد بود. اگر عامل در قرارداد دوم و جاعل در قرارداد اول دو شخص متفاوت باشند و عملکرد بانک به گونه ای باشد که بانک هیچ تعهدی نسبت به انجام یا عدم انجام مورد جعاله اول نداشته و صرفاً اقساط پیش بینی شده در جعاله اول را طلب کند (مثل جایی که بانک جاعل در قرارداد اول را مامور کند که خودش برای مورد جعاله یک عامل پیدا کند و با همین ترفند تمام تعهدات مربوط به انجام جعاله را به عهده خود جاعل در قرارداد اول (مشتری) بگذارد)) در چنین جایی با توجه به اینکه بانک مبلغی را به مشتری به عنوان قرض اعطا نموده است و هیچ تعهد دیگری جز پرداخت اصل و فرع از طرف مشتری به بانک در این میان وجود ندارد، حقیقت عملکرد قرض به شرط زیاده خواهد بود.



منابع

- آذر، عادل، «تحلیل پوششی داده‌ها و فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی: مطالعه تطبیقی»، *فصلنامه مطالعات مدیریت*، ش ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۴۶-۱۲۹.
- افشار کاظمی، محمدعلی و همکاران، «ارزیابی کارایی نسبی شعب بانک توسعه صادرات ایران با استفاده از مدل تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)»، *مجله بانک و اقتصاد*، ش ۵۷، آبان ۱۳۸۵، ص ۴۸-۴۲.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، *آیین‌نامه کفایت سرمایه*، ۱۳۸۲. قابل مشاهده در www.cbi.ir
- بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، *ربا (پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا)*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- ریاضت، فرهاد، «ارزیابی عملکرد بانک‌ها از طرح تا عمل»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ش ۵، تابستان ۱۳۸۱، ص ۱۶۸-۱۳۵.
- سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، محاسبه نسبت کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی، ترجمه صدیقه رهبر شمس‌کار، بانک و اقتصاد، ش ۱۸، مرداد ۱۳۸۰، ص ۲۵-۱۹.
- سیف، ولی‌الله، «کفایت سرمایه در نظام بانکی»، *مجله انجمن حسابداران نخبه ایران (حسابدار)*، ش ۱۷۰، اسفند ۱۳۸۴، ص ۱۶-۱۹ و ۴۳-۴۸ و ۷۱-۷۰ و ۸۶-۸۴.
- صدر، سیدکاظم و همکاران، «اندازه‌گیری و بهره‌وری بانک اسلامی (مورد بانک کشاورزی)»، *نامه مفید*، ش ۵۷، دی ۱۳۸۵، ص ۷۴-۴۹.
- فرجی، یوسف، پول، ارز و بانکداری، چ چهاردهم، تهران، پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۹.
- مشیری، اسماعیل، «مدل تعیین شده AHP برای نظرسنجی و تصمیم‌گیری هایگروهی»، *دانش مدیریت*، ش ۵۲، بهار ۱۳۸۰، ص ۹۲-۶۳.
- یادی پور، مهدی، الگوی ارزیابی کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده اقتصاد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر داود منظور، ۱۳۸۷.